یادداشت

آیا اردوغان به دنبال حاکمیت مادام‌العمر است؟

محمود فاضلی
دیپلمات پیشین و تحلیلگر امور بین‌الملل

زمان پرسش «آیا اردوغان به دنبال حاکمیت مادام‌العمر است؟» فرارسیده است، البته نه برای اینکه اردوغان در داغ‌ترین روزهای فعالیت انتخاباتی حزب عدالت و توسعه اعلام کرده «طبق اختیاراتی که قانون می‌دهد، این آخرین انتخابات من است، اما بر اساس نتایجی که از این انتخابات حاصل خواهد شد، به برادرانی که بعد از من خواهند آمد، امانت را تحویل خواهم داد». بسیاری معتقدند رئیس‌جمهور ترکیه دوره بعد از خودش را طراحی می‌کند و خیال بازنشستگی ندارد و می‌خواهد در اواخر ۲۰۲۷ مقدمات دوره چهارم خود را هم مشخص کند. او اگر در انتخابات شهرداری‌ها پیروز نشود، نقشه‌هایش برای دوره ۱۰ سال آتی حزب حاکم تغییر خواهد کرد. اگر در استانبول پیروز نشود، نمی‌تواند نقشه راه ایدئال خود را به اجرا بگذارد. مفهوم سؤال «آیا اردوغان به دنبال حاکمیت مادام‌العمر است؟» بعد از آخرین سخنان «بکر بوزداغ» رئیس کمیسیون عدالت پارلمان ترکیه از حزب عدالت و توسعه روشن‌تر شد. او معتقد است معلوم نیست فردا چه خواهد شد؟ شاید هم در زمان مناسب پارلمان در راستای تجدید انتخابات تصمیم گرفته و مسیر نامزدی مجدد برای رئیس‌جمهوری ترکیه را باز کند.

ماده ۱۰۱ قانون اساسی می‌گوید یک فرد حداکثر می‌تواند دو بار برای ریاست‌جمهوری انتخاب شود. بوزداغ با یادآوری موضوع «تجدید انتخابات» یا «انتخابات زودهنگام» به بند ۳ ماده ۱۱۶ قانون اساسی که به خاطر احتمال انتخاب مکرر رئیس‌جمهوری وضع شده است، اشاره می‌کند. یعنی اگر پارلمان ترکیه در راستای تجدید انتخابات تصمیم بگیرد، اردوغان یک الی یک و نیم سال مانده به پایان دوره ریاست خود به دلیل اینکه دوره پنج‌ساله را به پایان نرسانده، می‌تواند مجددا نامزد شود.

طبق ماده ۱۰۱ قانون اساسی، نامزدی اردوغان در سال ۲۰۲۳ هم بحث‌برانگیز بود. مصطفی شنتوپ رئیس پیشین پارلمان اعلام کرده به دلیل تغییر قانون اساسی در سال ۲۰۱۷، انتخاب اردوغان در سال ۲۰۱۴ حساب نمی‌شود، فقط انتخابات او در سال ۲۰۱۸ محاسبه خواهد شد. اپوزیسیون می‌توانست به دادگاه قانون اساسی مراجعه کند، اما چون کمال قلیچداراوغلو رهبر وقت حزب جمهوری خلق و مرال آکشنر رهبر حزب «خوب» مدعی بودند «اردوغان را در صندوق‌های رأی شکست خواهیم داد»، اردوغان برای بار سوم انتخاب شد. حال اگر سه دوره ریاست‌جمهوری کافی نبوده است، راهکار مخالفانش چه خواهد بود؟

اولین موضوع می‌تواند تغییر قانون اساسی باشد. آیا اردوغان می‌خواهد به رأی‌دهندگان خود بگوید «شهر استانبول را هم به من بدهید، یک بار دیگر قدرت خود را به رخ همه بکشیم. بعدا هم قانون اساسی را تغییر می‌دهیم».

تجدید قانون اساسی، یا با افزودن تعداد نمایندگان به ائتلاف حزب عدالت و توسعه و حزب حرکت ملی‌گرا با گردهم‌آوردن دوسوم از نمایندگان مجلس (یعنی ۴۰۰ نماینده از ۶۰۰ نماینده) در زیر صف‌های این ائتلاف یا به جان خریدن آسیب‌های جدید با برنامه میان‌مدت اقتصادی جدید به‌واسطه اقتصاد انتخاباتی در نتیجه برگزاری همه‌پرسی امکان‌پذیر خواهد شد. طبق بند ۱ ماده ۱۱۶ قانون اساسی، برای اتخاذ تصمیم انتخابات زودهنگام از سوی پارلمان به یک‌سوم آرای کل مجلس یعنی ۳۶۰ رأی نیاز است. شرایط سیاسی و اقتصادی کنونی ترکیه برای آنچه بوزداغ یادآوری می‌کند، مناسب نیست.

شواهد کنونی نشان می‌دهد در وضعیت موجود، مجموع آرای احزاب عضو ائتلاف جمهور ۳۲۲ است. یعنی حزب عدالت و توسعه ۲۶۴ نماینده، حزب حرکت ملی‌گرا ۴۹ نماینده، حزب هدا پار (به کردی) یا «مطالبه آزاد» چهار نماینده، حزب دوباره رفاه چهار نماینده و حزب دموکراتیک چپ یک نماینده دارند. اگر همه این نمایندگان در راستای برگزاری انتخابات زودهنگام رأی بدهند، باز هم به ۳۸ رأی دیگر نیاز است.

در جبهه اپوزیسیون هم حزب جمهوری خلق ۱۲۹ رأی، حزب مساوات و دموکراسی خلق‌ها ۵۲ رأی، حزب خوب ۳۸ رأی، احزاب «سعادت و آینده» ۲۰ رأی، حزب «دوا» ۱۵ رأی، احزاب دموکرات و کارگر هرکدام سه رأی و احزاب کار و اتحاد دموکراتیک هم هرکدام دو رأی دارند. هفت نماینده مستقل هم در پارلمان حضور دارند. از این‌رو اردوغان برای اینکه مجدد رئیس‌جمهور شود، باید تمامی احزاب تشکیل‌دهنده ائتلاف جمهور در سال ۲۰۲۳ را تا آخر عمر در این ائتلاف حفظ کند و با تأیید «دولت باغچه‌لی» رهبر حزب حرکت ملی‌گرا از جبهه مخالف هم کمک بگیرد. این نیز مستلزم یک روند چانه‌زنی فشرده است که اجبارا در بعضی موارد مسامحه نشان خواهد داد. اردوغان در این دوره مجبور است درهای حزب خود را به روی احزاب مخالف خود از حزب «مساوات و دموکراسی خلق‌ها» تا حزب «خوب» باز کند.

اردوغان اگرچه در داخل کشور با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو است اما در عرصه سیاست خارجی در بسیاری از مسائل مانند جنگ روسیه و اوکراین، جنگ داخلی لیبی و تنش آذربایجان و ارمنستان نقش مهمی ایفا کرده و با حساسیت خود نسبت به غزه، جلب توجه کرد. اردوغان در «مجمع دیپلماسی آنتالیا» از درماندگی جامعه و نهادهای بین‌المللی در قبال نسل‌کشی اسرائیل که از هفتم اکتبر در غزه مرتکب می‌شود، سخن گفت. اظهارات اردوغان مبنی بر اینکه «در نقطه‌ای که نظام جهانی به آن رسیده، نظم بین‌المللی معنای خود را از دست داده است»، در واقع یکی از چشمگیرترین نکات سخنرانی وی بود.

ادامه از صفحه اول

دگرگونی سیاست‌های خاورمیانه‌ای

چین برای حفظ بازار و چیرگی اقتصادی خود، خواهان ثبات در خاورمیانه است. دوری قدرت‌های بزرگ از خاورمیانه و تمایل آنها به ثبات، بهترین فرصت برای همبستگی منطقه‌ای بر پایه حسن هم‌جواری و توسعه اقتصادی از طریق همکاری‌های منطقه‌ای در راستای منافع ملی است. اما شرایط کنونی خاورمیانه فاقد ویژگی‌های لازم برای اجماع منطقه‌ای است. عربستان سعودی در رؤیاهای برتری‌جویانه سیر می‌کند. ترکیه دیپلماسی رنگارنگی داشته و سیاست تحرکات قومی را دنبال می‌کند. فدرالیسم در عراق ناکارایی خود را با چندپارچگی و بی‌ثباتی نشان داده است. استراتژی ناهمگون قطر نیز بر مشکلات منطقه می‌افزاید. در این میان، ایران نیز باید گام‌هایی اساسی در راه تحکیم اجماع منطقه‌ای بردارد. قدرت‌های بزرگ ثبات خاورمیانه را در جهت منافع ملی خود برآورد می‌کنند؛ واقعیتی که سیاست‌سازان خاورمیانه هنوز درک روشنی از آن ندارند.

شی جین‌پینگ و تغییراتی مشابه تصفیه مرگبار حکومت مائو در چین

انقلاب فرهنگی دوم در راه است؟

شی جین‌پینگ برای تسلط بر چین حتی قانون را هم تغییر می‌دهد. حکومت کمونیستی چین قانونی را تصویب کرده است که شورای حکومتی، یعنی کابینه آن را ملزم می‌کند که به اندیشه شی جین‌پینگ «و رهنمودهای او متمسک باشند» و سیاست‌های حزب را «قاطعانه اجرا کنند». شبکه پخش ملی تلویزیون چین در برنامه پربیننده اخبارش موسوم به «شین‌ون لیانبو» گزارش داد که شی جین‌پینگ نسخه‌ای اصلاح‌شده از قانون را در مورد کابینه چین یعنی شورای حکومتی امضا کرده است. به گفته رسانه‌های حکومت کمونیستی چین، قانون ارگانیک شورای حکومتی چنان‌که مشهور است، «سامانه سازمانی و کاری» کابینه را معین می‌کند. این نسخه اصلاح‌شده حالا می‌گوید کابینه باید «متمسک به رهنمودهای» اندیشه شی جین‌پینگ باشد و «قاطعانه ضامن اتوریته و رهبری مرکزی و متحد» کمیته مرکزی حزب کمونیست چین باشد و تصمیم‌ها و تمهیدات آن را «قاطعانه اجرا کند». در بیانیه‌ای که زمینه قانون اصلاح‌شده را توضیح می‌دهد و در سازمان خبری شین‌هوا منتشر شده است، به اصلاحی قدیمی‌تر در قانون اساسی در سال ۲۰۱۸ اشاره شده است که گفته می‌شود «جایگاه راهنما»ی شی جین‌پینگ را در زندگی سیاسی و اجتماعی ملی تحکیم می‌کند. رسانه‌های هنگ‌کنگ این اصلاحات را نشانی از تقویت بیشتر رهبری حزب شی در شورای حکومتی و محدودشدن نقش نخست‌وزیر می‌بینند. یکی از رسانه‌های ملی‌گرا از رسانه‌های خارجی به خاطر «سوءبرداشت» از این تغییر انتقاد کرده و گفته است که این تغییر، اجرای تصمیم‌های سیاست‌گذاری حزب را توسط دولت تضمین می‌کند. اصلاحیه‌های سال ۲۰۱۸ در قانون اساسی محدودیت طول مدت ریاست‌جمهوری را لغو و شی را قادر کرد تا برای سومین دوره در سال ۲۰۲۳ انتخاب شود. شین‌هوا همچنین از بیستمین کنگره ملی حزب کمونیست چین در سال ۲۰۲۲ نقل کرده است که «الزاماتی روشن» را برای تقویت رهبری مرکزی و متحد کمیته مرکزی پیشنهاد کرده است. قانون ارگانیک اصلاح‌شده را پارلمان تشریفاتی چین، یعنی کنگره ملی خلق، در جلسه نهایی‌اش در آخرین روز از دو نشست در روز ۱۱ مارس تصویب کرد. این اصلاحیه اولین اصلاحیه از زمان اجرائی‌شدن قانون در سال ۱۹۸۲ پس از ۴۲ سال بوده است.

تضعیف شورای حکومتی

روزنامه خصوصی انگلیسی‌زبان ساوث چاینا مورنینگ‌پست متذکر شد این قانون ابتدا وقتی مطرح شده بود که رهبر وقت دنگ شیائوپینگ در پی «جدایی کار حزب از دولت» بود تا «تمرکز بیش از حد قدرت» را که در دوران انقلاب فرهنگی مائو زدونگ (۱۹۶۶-۱۹۷۶) دیده می‌شد، متوقف کند.

تغییر قابل توجه دیگر در «دو نشست» امسال حذف کنفرانس خبری پایانی نخست‌وزیر بود که پایان سنتی ۳۱ساله بود و برای بعضی ناظران تضعیف جایگاه لی چیانگ نخست‌وزیر فعلی به شمار می‌رود. سینگ تائو، روزنامه خصوصی چینی‌زبان هنگ‌کنگ، این اصلاح قانون و لغو کنفرانس مطبوعاتی لی را «بزرگ‌ترین خبرهایی» دانست که از «دو نشست» بیرون آمده است. این روزنامه می‌گوید این تحولات نشانی از تقویت رهبری دولت و تضعیف شورای حکومتی است. این روزنامه می‌افزاید نخست‌وزیر لی که رئیس شورای حکومتی است، خود از زمان تصدی منصبش در سال گذشته چندین سنت را زیر پا گذاشته است. این روزنامه می‌گوید که او در چندین دیدار بازرسی همراه شی بوده است و در جلساتی کاری شی را در دیدار با رهبران هنگ‌کنگ و ماکائو همراهی کرده و در سفرهای خارجی پروازهای خصوصی را کنار گذاشته است.

این روزنامه همچنین متذکر شد لغو کنفرانس مطبوعاتی نخست‌وزیر که «قسمت مهم» دو نشست سابق بوده است، چون چشم‌اندازی به شخصیت نخست‌وزیران سابق را نشان می‌داد و می‌توانست واقعا از سوی خود لی برای تقویت «رهبری هسته‌ای» شی پیشنهاد شده باشد. اما نسخه انگلیسی گلوبال‌تایمز، رسانه حکومتی چین که مخاطب خارجی دارد، از ژوانگ دشویی از دانشگاه پکن نقل قول کرده است که این «تغییری مهم» در قانون است که تضمین می‌کند سیاست‌های مهم حزب را «ارگان‌های اجرائی حکومت» پیاده کنند. او می‌گوید جدایی حزب و دولت در چین «همیشه به معنای» جدایی کارکردشان بوده است، «نه اینکه دولت باید از رهبری حزب جدا شود». او می‌گوید: «حزب مسئول هماهنگی و تصمیم‌گیری کلی است و بین حزب و دولت تقسیم کار و هماهنگی انجام می‌شود». ژوانگ از رسانه‌های خارجی انتقاد کرد که این تغییر را «سوءتعبیر کرده‌اند» و به آن اتهام زده‌اند که قصد «متمرکزسازی بیشتر قدرت یا تضعیف اتوریته دولت» را دارد و گفت که این «سوءتفاهم‌ها» برخاسته از «پیش‌داوری بنیادین» علیه «نظام منحصربه‌فرد» چین است. در همین حال، مقامات حزب کمونیست چین در هفته‌های اخیر کارزاری برای بیان عقاید و نظرات در زادگاه مائو راه‌اندازی کرده‌اند که برای بسیاری از شهروندان چینی یادآور کارزار مائو زدونگ برای سرکوب بیشتر در ابتدای به قدرت رسیدن حزب کمونیست چین است. برخی رسانه‌ها احتمال می‌دهند که این کارزار نشانه انقلاب فرهنگی دوم در چین و مقدمه‌ای برای تغییرات مهم دیگری باشد. «هونان دیلی» رسانه وابسته به حزب کمونیست چین گزارش داد که یک کمیته حزبی استانی اعلام کرده است با هدف «یادگیری از نظرات و افکار، شی جین‌پینگ، تصمیم به راه‌اندازی یک «بحث بزرگ» با نام «آزادسازی افکار» در سراسر استان هونان گرفته است». در این اطلاعیه آمده است «این بحث با هدف «راهنمایی‌کردن شی جین‌پینگ» راه‌اندازی شده است». مقامات حزب کمونیست چین در استان هونان در شبکه اجتماعی ویبو که یک شبکه اجتماعی وابسته به حزب کمونیست چین است، اعلام کردند که این کارزار از ابتدای فوریه آغاز شده و تا پایان ماه مارس امسال ادامه خواهد یافت، اما بخش نظرات مربوط به کارزار در ویبو را غیرفعال کردند تا کاربران نتوانند درباره این کارزار نظری بدهند. این اقدام مقامات حزب با واکنش انتقادی و طنزگونه شهروندان چینی در ویبو همراه بود. یکی از کاربران با اشاره به این کارزار نوشت: «مگر قرار نیست که یک بحث عالی داشته باشید؟ پس چرا بخش نظرات را غیرفعال کردید؟».

گائو یو، یک روزنامه‌نگار در پکن، با بیان اینکه کارزار حزب، یک حرکت سیاسی با هدف کنترل افکار عمومی است به اپک‌تایمز گفت که در کشورهای آزاد، آزادی افکار و عقاید وجود دارد و کشورها نیازی به «آزادکردن» افکار شهروندانشان ندارند. حزب کمونیست چین در این کارزار به دنبال استفاده از ایده‌ها و عقاید مختلف نیستند، بلکه می‌خواهند بستری ایجاد کنند تا شهروندان چینی دنباله‌رو افکار و نظرات یک نفر (رهبر حزب کمونیست) باشند و چگونه فکرکردن را از همان یک نفر که در رأس حزب است، بیاموزند. به گفته او، این کارزار در ظاهر برای رهایی افکار ایجاد شده است، اما در واقع به دنبال به بندکشیدن افکار کل جامعه چین و سرکوب افکار لیبرال در میان چینی‌هاست.

یادآور کارزار مائو

ناظران بر این باورند که رهبران ارشد حزب کمونیست چین به طور تلویحی کارزار «آزادسازی افکار» را تأیید کرده‌اند و این کمپین یک توطئه سیاسی آشکار برای کشف مخالفان و یادآور کمپین «صد گل» مائو و «جنبش راست‌ستیز» است. در سال ۱۹۵۷ مائو طی یک کارزار از روشنفکران و دیگر اقشار مردمی خواست تا در یک‌سوسازی حزب کمونیست چین را یاری دهند. این جنبش که «جنبش صد گل» نام گرفت، مبتنی بر این شعار بود که «بگذارید تا صد گل بشکفد و صد مکتب فکری شکل بگیرد». قصد مائو از این کار شناسایی عوامل ضد حزب از طریق اغوای آنها بود. مائو زدانگ در نامه‌اش به رؤسای حزب در سطوح استانی در سال ۱۹۵۷ قصد خود را چنین عنوان کرد: «مارها را اغوا کرده و از سوراخ‌هایشان بیرون بکشید. به آنها اجازه دهید تا آزادانه نظرات خود را تحت عنوان آزادی افکار و یک‌سوسازی حزب کمونیست چین بیان کنند و سپس شکارشان کنید».

شعارهای وقت حزب، مردم را تشویق به بیان نظرات‌شان می‌کرد و به آنها قول می‌داد که انتقام و مجازاتی در کار نیست و تأکید می‌کرد که حزب از کسی ایراد نگرفته، حمله‌ای نکرده، به کسی برچسب نزده و انتقامی را در سر نمی‌پروراند. با تمام این قول‌ها، حزب خیلی زود جنبش ضد راست‌گرایی را آغاز کرد و ۵۴۰ هزار نفر را که جرئت صحبت‌کردن به خود داده بودند، راست‌گرا نامید. در میان این عده ۲۷۰ هزار نفر شغل خود را از دست دادند و ۲۳۰ هزار نفر به‌عنوان عوامل «راست‌گرای متوسط» یا «ضد حزب کمونیست» یا «عناصر ضد سوسیالیست» طبقه‌بندی شدند. این کارزار، پایان تصفیه‌های مائو با جامعه چین نبود، بلکه مقدمه‌ای بر یک تصفیه بزرگ‌تر تحت نام «انقلاب فرهنگی چین» بود. نویسنده‌ای به نام چین مو، درباره انقلاب فرهنگی چین نوشت: «آن مصیبتی بی‌سابقه بود؛ حزب کمونیست چین میلیون‌ها نفر را تنها به خاطر داشتن ارتباط با اعضای خانواده (مورد هدف) زندانی کرد و به زندگی میلیون‌ها نفر دیگر نیز خاتمه داد، خانواده‌ها از هم پاشید، بچه‌ها را به اراذل و اوباش و آدم‌های بی‌عار تبدیل کرد، کتاب‌ها را سوزاند، ساختمان‌های باستانی را تخریب کرد و مقبره‌های روشنفکران باستان را ویران کرد و هرگونه خلافی را تحت عنوان انقلاب انجام داد».

بر اساس آمار و ارقام محافظه‌کارانه، تعداد مرگ‌ومیرهای غیرطبیعی در چین در طول انقلاب فرهنگی بالغ بر ۷۳.۷ میلیون نفر برآورد شده است. شهروندان چینی نیز متوجه شباهت کارزار جدید حزب کمونیست چین به رهبری شی جین‌پینگ با تصفیه‌های مائو شده‌اند. یکی از کاربران در این مورد نوشت: «این کارزار فریبی برای بیرون‌کشیدن مار از سوراخش است». کاربری دیگر نیز نوشت: «با شادی و صدای بلند صحبت کنید، سپس سرکوب راست‌گرایان آغاز خواهد شد».

ادامه از صفحه اول

گنج‌نامه و دو متر طلق

دیگر اینکه اگر آن آگاهی لازم را می‌داشتند، به هشدارها وقعی می‌نهادند و از خرید دو متر طلق برای محافظت از این اثر جهانی که در واقع باید آن را دو برگ از قباله خانه پدری هر ایرانی دانست، طفره نمی‌رفتند تا به دست بداندیشی آگاهانه یا ناآگاهانه تخریب شود و بعد یادشان بیاید که باید حفاظی برای آن آثار بی‌مانند در نظر گرفت؛ یعنی بیمار را بر اثر بی‌عنایتی تا سرحد عدم رساندن و بعد در پی درمان بودن. سنگ‌نوشته‌های گنج‌نامه سبب شد تا رمز و راز خط میخی دانسته شود و دیگر کتیبه‌های ایران باستان که برای آنها هم از خرید دو متر طلق دریغ می‌شود، تمام و کمال خوانده شود. آنان که برای آثار باستانی ایران حتی «شاهنامه» پشت چشم نازک می‌کنند، شاید نمی‌دانند که هیچ عرضی بی‌جوهر ماندگار نیست. نمی‌دانند که تاریخ و فرهنگ ایران از سپیده‌دم تاریخ تا امروز آلیاژی غیرقابل تفکیک است. از معابد آناهیتا گرفته تا مساجدی که شکوهشان به گنبد آسمان پهلو می‌زند، از زند و پازند گرفته تا المیزان و بسیاری یادگارها و میراث‌های متعدد که حذف هریک از آنها مایه ازدست‌رفتن معنا و جوهر ایرانیت است.

ادامه از صفحه اول

سازمان رأی جامعه مدنی

چون نخبگان و جامعه به یک ایدئولوژی سیاسی روشن درباره نحوه اداره کشور رسیده بودند. چون یک فکر و اندیشه در جامعه پدید آمده بود و کارگزارانی هم برای اجرای آن نامزد شده بودند؛ وگرنه تا پیش از اواخر بهار سال ۹۲ چه کسی فکر می‌کرد که آقای روحانی رئیس‌جمهور شود؟

این را گفتم که اهمیت شکل‌گیری «معنای رأی» و تشکیل «سازمان رأی» بر اساس این معنا را روشن کنم و تأکید کنم که همّ و غم نیروهای سیاسی باید شکل‌گیری یک معنای سیاسی پایدار و دوام‌پذیر در طی زمان مشخص باشد تا امکان شکل‌گیری سازمان رأی پدید آید.

این موضوع مهم‌ترین عنصر تحولی در یک جامعه است. این را مقایسه کنید با انتخابات(هایی) که با ترفندهای پشت صحنه، غیرطبیعی و «سزارینی» افرادی را به قدرت می‌رسانند. احزاب سیاسی باید بتواند از طریق فعالیت‌های فکری روزمره، جریان فکری و سپس جریان اجتماعی راه بیندازند. برای این کار این احزاب باید بتوانند پروژه‌های سیاسی مشخصی را درباره موضوعات مبتلابه جامعه تمهید کنند.

این پروژه‌ها از نظر فکری، ایدئولوژیک و از نظر عملیات رسانه‌ای، گفتمانی هستند که هم معنا می‌سازند و هم سازمان رأی پدید می‌آورند، به شرط آنکه مداوم و پایدار و توأم با تکرار باشند. کسب منصب سیاسی و حتی پیروزی در انتخابات به اولویت‌های بعدی می‌رود.

مهم شکل‌گیری فکر و معنای سیاسی است که کشور و نظام و آزادی‌های درونی آن را تثبیت می‌کند. پروژه گفتمانی یک مجموعه فکری منتظم و منظم است که به افراد، جامعه و مردم نظم فکری می‌دهد، آنها را از لحاظ سیاسی هدفمند می‌کند و یک منظومه فکری برای آنان می‌سازد.

پروژه‌های سیاسی اگر به خودآگاهی اجتماعی منجر شوند، ظرفیت تشکیل سرمایه سیاسی و تبدیل‌شدن به «سازمان رأی» را دارند.

این، نوعی یادگیری اجتماعی است که اگر نامزدهای‌تان تأیید صلاحیت نشده باشند یا صراحتا کناره بگیرید یا اینکه برای ساماندهی سازمان رأی به مردم چنین آموزش دهید که برای ابراز هویت سیاسی خویش و برای نمایش قدرت تشکیلاتی سازمان رأی مثلا فقط به آقای X و نه به ۳۰ نامزد، رأی دهید تا به این صورت رأی شما مصادره نشود. چنین آموزش‌های مدنی در دوره‌های طولانی پیش‌انتخاباتی باید وجهه همت احزاب سیاسی از گرایش‌های گوناگون قرار گیرد. مهم این است که مردم در یک مواجهه واقعی بفهمند که رأی‌شان «ارزش مبادلاتی» دارد، از آن سوءاستفاده نشده و مصادره نمی‌شود. این می‌تواند یک فعالیت مدنی درخشان بسازد. البته همه اینها موکول به این است که انتخابات، دست‌کم به صورت مکانیکی، سالم برگزار شود.

آقای علی دانشمند خوراسگانی فرزند احمد رضا دارای شناسنامه شماره ۱۲۷۱۲۸۲۳۱۳ و کدملی ۱۲۷۱۲۸۲۳۱۳ صادره از اصفهان متولد سال ۱۳۷۰ اظهار دارد که دانشنامه دائم ایشان مفقود گردیده و به موجب این آگهی دانشنامه مذکور باطل اعلام می شود. از یابنده خواهشمند است مدرک یاد شده را به اداره کل آموزش دانشگاه صنعتی اصفهان تسلیم نماید.

آگهی دعوت به مجمع عمومی بطور فوق العاده
شرکت آلفا لاوال ایران (با مسؤلیت محدود) در حال انحلال
به شماره ثبت ۱۹۹۷۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۵۵۲۲۵
بدین وسیله از کلیه سهامداران یا نمایندگان قانونی آنها دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی بطور فوق العاده شرکت که در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۱ فروردین ۱۴۰۳ در نشانی تهران، خیابان ولیعصر، خیابان شهید خدامی، بن بست لیلا، پلاک ۹، واحد ۹ برگزار می گردد حضور بهم رسانند.دستور جلسه: ۱) استماع گزارش مدیر تصفیه ۲) استعفا علیرضا بیات بارونی (مدیر تصفیه) ۳) انتخاب مدیر تصفیه جدید می باشد.
مدیر تصفیه علیرضا بیات بارونی

سند مالکیت (برگ سبز) وسیله نقلیه سواری کیا سراتو ۲۰۰۰ به پلاک ۴۰-۴۶۱ ق ۹۳ به رنگ خاکستری نوک مدادی به شماره موتور G۴KDJH۶۰۶۹۴۵ و شماره شاستی NAS۶۲۱۲۰۰J۱۰۶۲۰۰۳ مدل ۱۳۹۷ متعلق به مهدی عزیززاده قصاب دارای کد ملی ۲۳۰۰۳۹۷۲۵۰ فرزند حسینعلی در تاریخ ۲۳ اسفند ۱۴۰۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو پژو 207i-MT سفید روغنی مدل ۱۴۰۰ به شماره پلاک ایران ۴۰ - ۶۱۴ ص ۲۴ و شماره موتور 178B0056544 و شماره شاسی NAAR03FE8MJ405382 به نام فهیمه کارگر موقر مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب علیرضا ملک زاده فرزند عبدالحمید به شماره شناسنامه ۴۷۴۸ صادره از بوشهر در مقطع کارشناسی رشته مهندسی منابع طبیعی و شیلات صادره از واحد دانشگاهی غیر انتفاعی خزر محمودآباد با شماره ۱۰۳۵۳۰۵۶ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه غیر انتفاعی خزر واحد محمود آباد به نشانی محمود آباد، دانشگاه خزر ارسال نماید.

برگ سبز، کارت ماشین و سند کمپانی خودرو پژو ۲۰۶ رنگ خاکستری مدل ۸۶ به شماره پلاک ۳۸ ص ۳۶۱ ایران ۵۰ و شماره موتور vf32AKFWU43922678 و شماره شاسی GTX1360INJ به نام ارش حسین غلامی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو بنزاس ۳۵۰ رنگ مشکی مدل ۲۰۰۵ به شماره پلاک ایران ۲۰ - ۵۳۵ ن ۱۹ و شماره موتور ۱۱۲۹۷۲۳۱۹۰۹۳۵۵ و شماره شاسی WDB2200671A449404 به نام علی کوخائی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.